



هنجارهای هشت‌گانه سلوک اجتماعی

در سیره امام رضا علیه السلام

دریافت: ۱۴۰۰/۴/۲۷ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۴

مهدی بیات مختاری^۱

چکیده

بی‌تردید هر مکتبی، شیوه زیستن ویژه‌ای را که مبتنی بر جهان‌بینی آن است، ارائه می‌دهد و شکل‌گیری جامعه مطلوب خود را در التزام به آن هنجارها قلمداد می‌کند. آیا می‌توان هنجارها، خصلت‌های مطلوب و اصول رفتارهای اجتماعی مورد انتظار از یک مسلمان را از گفتار و رفتار امام رضا علیه السلام، استخراج و به‌گونه نظام‌مند، تبیین کرد؟ این پژوهش ابتدا گفتارها و رفتارهای امام رضا علیه السلام را به روش کتابخانه‌ای گردآورده و سپس به شیوه توصیفی تحلیلی آن را سامان داده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد هشت نکته بنیادین زیر بیشتر مورد توجه و تأکید ایشان بوده است: ۱. فراگیری و فرادهی ۲. تکریم شاعران متعهد و آگاهی‌بخش ۳. پاسداشت اخوت ایمانی ۴. التزام به سخن پاک ۵. مهرورزی به دیگران ۶. سخاوت و انفاق ۷. کتمان صدقه و گریز از تحقیر ۸. چشم‌پوشی و گذشت خردمندانه. و چون امام رضا علیه السلام به سجایا و رفتارهای اجتماعی مذکور به‌گونه کامل آراسته بود، از این رهگذر دوستی عام و خاص را به خود جلب کرد و به «رضا» نامبردار شد.

کلیدواژه‌ها: سبک زندگی، امام رضا علیه السلام، سیره، اخلاق اجتماعی.

۱. دانشیار گروه تاریخ تشیع دانشگاه نیشابور: bayatmokhtari@neyshabur.ac.ir

۱. بیان مسئله

انسان موجودی اجتماعی است و بسیاری این را در عداد خصوصیات ذاتی وی به شمار آورده اند، اما برخی این خصیصه را معلول نیازهای متنوع آدمی دانسته اند؛ زیرا نیازهای او با معاشرت با هم نوعان در یک اجتماع سامان یافته برآورده می شود. بر اثر معاشرت ها، روابط انسانی شکل می گیرد و هویت فرهنگ انسانی، نمود می یابد. از سویی اسلام گرچه دارای نظامات اخلاقی، حقوقی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ویژه خود است، اما در یک نگاه کلی، همه نظامات دینی، مقدمه ای برای تأسیس جامعه متعالی توحیدی به شمار می آید که انسان در آن به کمال شایسته خود می رسد. جامعه ای که روابط انسانی آن، رنگ الهی به خود می گیرد و همه رفتارهای گوناگون انسان در مسیر وصول به هدف غایی و کمال مطلوب او، معنا می یابد. بر این مبنا، جامعه و روابط متعدد آن، صحنه امتحان الهی است و انسان در این عرصه و میدان می تواند با ایجاد روابط صحیح و معقول با هم نوعان خود، صفات و هنجارهای ارزشی و نیکویی را که مورد پسند خداوند است، در خود شکل دهد و دل خویش را از رذایل اخلاقی، پیراسته سازد.

قرآن افزون بر دریافت و ابلاغ وحی، تفسیر آن را نیز در عداد مسئولیت های پیامبر ﷺ بر شمرده است: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل، ۴۴)؛ در آیه ۸۳ نساء در ردیف پیامبر ﷺ، «اولو الامر» نیز مرجع و مستنبط معرفی شده اند: «وَلَوْ رُدُّوهَ إِلَى الرَّسُولِ وَآلِي أُولَى الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ»^۲. مصداق بارز و بلکه به تصریح روایات، مقصود از «اولی الامر»، اهل بیت علیهم السلام هستند (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۵۲۳؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۱۳۵) بر این اساس، از جهت آن که قرآن تنها حاوی بن مایه های کلامی، اجتماعی، اخلاقی و فقهی است و به تفصیل آموزه ها نپرداخته، لذا تبیین جزئیات به پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام واگذار شده است. به گفته امام علی علیه السلام: «اهل بیت موضع اسرار خدایند و ملجاء فرمانش، ظرف علم اویند و مرجع احکامش، پناهگاه کتاب های او هستند

۱. و این قرآن را به سوی تو فرود آوردیم تا برای مردم آنچه را به سوی ایشان نازل شده است، توضیح دهی و امید که آنان بیندیشند.

۲. و اگر آن را به پیامبر و اولیای امر خود ارجاع دهند، به قطع از میان آنان کسانی هستند که آن را دریابند.

و کوه‌های استوار دین او، به واسطه ایشان، خمیدگی پشت دین راست نمود و لرزش‌های ارکان آن را از میان برد» (رضی، ۱۴۲۹ق: ۲۵، خ ۲). یکی از احادیث متواتر از پیامبر ﷺ که بر رهیافت فوق تأکید کرده، حدیث «ثقلین» است: «أنتی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی ما ان تمسکتهم بهما لن تضلوا ابداً: کتاب الله فیہ الهدی و النور حبل ممدود من السماء الی الارض و عترتی اهل بیتی و ان اللطیف الخبیر قد اخبرنی انهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض و انظروا کیف تخلفونی فیهما» (ابن حنبل، ج ۳: ۱۴ و ۱۷؛ حاکم نیشابوری، ج ۳: ۱۴۸؛ قاضی نعمان مغربی، ج ۱: ۲۸؛ ابن بابویه، ۱۴۱۷ق: ۵۰۰؛ ۱۳۶۱: ۹۰)؛ من در میان شما دو امانت نفیس و گران‌بها می‌گذارم یکی کتاب خدا قرآن و دیگری عترتم اهل بیت را. تا وقتی که به این دو تمسک جویند، هرگز گمراه نخواهید شد و این دو یادگار من هیچ‌گاه از هم جدا نمی‌شوند. تا کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.

بنابراین رابطه‌ای وثیق میان امام رضا (علیه السلام) و کتاب خدا وجود دارد و بی‌تردید، تمامت گفتار و سیره ایشان به شکل مستقیم یا غیرمستقیم به شرح و عینیت بخشیدن به تعالیم کتاب خدا اختصاص یافته و قرآن در اندیشه، گفتار و کردار ایشان، عینیت تام یافته است. از این رهگذر، دست یافتن به اینکه امام رضا (علیه السلام) چه هنجارها، اصول و چهارچوبی را در همگرایی اجتماعی و پیوند با جامعه پیشنهاد و بایسته می‌داند، امری بس مغتنم به حساب می‌آید. شیخ صدوق در «عیون اخبار الرضا (علیه السلام)» و عطاردی در «مسند الإمام الرضا (علیه السلام)» و قیومی در «صحیفة الرضا (علیه السلام)»، تلاش کرده‌اند که احادیث منقول از امام رضا (علیه السلام) را گزارش کنند. باقر شریف قرشی در «حیة الإمام علی بن موسی الرضا علیه السلام، دراسة و تحلیل» و جعفر مرتضی عاملی در «حیة الإمام الرضا (علیه السلام)» به بررسی ابعادی از زندگی ایشان پرداخته‌اند. سروری مجد (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «فرهنگ رضوی و جامعه آرمانی»، عقل‌گرایی، برپایی عدل و شکوفایی اقتصادی را مورد تأکید امام رضا (علیه السلام) قلمداد کرده است. اصفهانی (۱۳۹۷) در مقاله «مطالعة تطبیقی کرامت انسان از منظر سیره رضوی و مبانی اومانیسیم» به تفاوت کرامت انسان از دیدگاه امام رضا (علیه السلام) و اومانیسیم پرداخته است. نامدار جویمی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله «مهارت‌های ارتباطی در سیره رضوی» بر روش‌های ارتباطی در سیره رضوی، متمرکز شده است.

با توجه به بررسی‌های انجام شده، تاکنون پژوهش مستقلی دربارهٔ اصول هنجارهای اجتماعی در سیرهٔ رضوی انجام نشده و این جستار را می‌توان رویکردی نوآورانه دانست که نویسنده ابتدا گفتارها و رفتارهای ایشان را در این زمینه به روش کتابخانه‌ای گردآورده و سپس به شیوهٔ توصیفی تحلیلی آن را کندوکاو کرده است. یافته‌ها حاکی است که در بین آموزه‌های اخلاق اجتماعی، امور هشت‌گانه ذیل پربسامدتر و بیشتر مورد تأکید ایشان بوده است: ۱. فراگیری و فرادهی ۲. تکریم شاعران متعهد و آگاهی‌بخش ۳. پاسداشت اخوت ایمانی ۴. التزام به سخن پاک ۵. مهرورزی به دیگران ۶. سخاوت و انفاق ۷. کتمان صدقه و گریز از تحقیر ۸. چشم‌پوشی و گذشت خردمندانه.

۲. هنجارهای هشت‌گانه اجتماعی

۲-۱. فراگیری و فرادهی

دانش طلبی با سرشت انسان عجین است و علم به معنای وسیع خود، عامل ساختن انسان و طبیعت است. ده‌ها آیهٔ قرآن حاوی اهمیت و جایگاه علم است و در اولین آیه‌هایی که بر پیامبر اسلام ﷺ نازل شده، سخن از قرائت، تعلیم و قلم است (علق، ۱-۵). جایگاه دانشمندان ستوده شده (مجادله، ۱۱) و از سویی، تأکید فراوان بر معرفت دین و علوم الهی و انتقال آن به دیگران شده است. در آیه «مَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْكُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» (توبه، ۱۲۲)، تأکید شده باید از میان هر قومی عده‌ای برخیزند و برای فراگرفتن آموزه‌های اعتقادی، اخلاقی و عملی اسلام در مراکز تعلیم و تربیت حضور یابند و سپس دیگران را برای تشکیل جامعه‌ای فرهیخته، با مسائل اسلامی آشنا سازند. شکی نیست که منظور از «فقاہت در دین» فراگیری همهٔ عرصه‌های دین اعم از اصول، اخلاق و فروع است. شگفتا آیهٔ هم‌زمان فراگیری و فرادهی را الزام کرده است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۹: ۴۰۴؛ صادقی، ۱۴۰۶، ج ۱۳: ۳۳۷؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۸: ۱۹۳). واژهٔ

«الْأَمَانَات» در آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» (نساء، ۵۸)، جمع محلی به الف و لام است و انحصاری در اموالی که مردم به یکدیگر می‌سپارند، ندارد، بلکه به گفته امامان باقر و صادق (علیهم السلام) و بسیاری از صحابه، شامل امانات الهی یعنی الزامات و اوامر و نواهی و به علاوه امانات معنوی، علمی، سیاسی و فرهنگی انسان‌ها را نیز شامل می‌شود. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۹۸؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۵: ۹۲؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۳: ۹۸۶) از این رهگذر، دانشمندان امانت‌داری هستند که موظفانند آگاهی‌ها و دانش‌های خود را در اختیار مردم قرار دهند.

بی‌تردید همه علوم از جهت ارزش تعلیمی و تعلیمی و اهمیت در یک سطح نیستند. علوم را از لحاظ حکم فراگیری آن، در پنج گروه می‌توان دسته‌بندی کرد: واجب، حرام، مستحب، مباح و مکروه. تحصیل دانش‌هایی که مقدمه سازندگی مادی یا معنوی، دنیوی یا اخروی، فردی یا اجتماعی است و بدون آن‌ها اساس حیات مادی و معنوی انسان به مخاطره می‌افتد؛ برخی واجب عینی‌اند مثل شناخت عقاید و تکالیف شرعی و پاره‌ای واجب کفایی‌اند مثل علم طب و علوم نظامی. پیامبر (صلی الله علیه و آله) در حدیث «أَمَّا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ: آيَةٌ مُحْكَمَةٌ أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ وَمَا خَلَاهُنَّ فَهُوَ فَضْلٌ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۳۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۲۱۱). تعلّم دانش‌های سه‌گانه ذیل را واجب عینی شمرده‌اند: آیه محکمه: اصول اعتقادات؛ فریضه عادلّه: علم اخلاق و سنه قائمه: احکام الهی و درک حلالها و حرامها. (مجلسی، ۱۳۹۹، ج ۱۲: ۱۵۸؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۱: ۱۳۳)

امام رضا (علیه السلام)، که مفسر گفتاری و عملی قرآن است، تأکید فزونی بر بصیرت‌افزایی، شناخت ژرف از دین و انتقالش به دیگران دارد و فراگیری و فرادهی را امری لازم شمرده است. در حدیث «تَفَقَّهُوا وَإِلَّا فَأَنْتُمْ أَعْرَابٌ جَهَالٌ» (ابن بابویه ۱۴۰۶، ج ۱: ۳۳۸؛ نمازی، ۱۴۱۹، ج ۸: ۲۸۳)؛ امر به فهم ژرف از دین می‌کند و غیر عالمان را چونان بادیه‌نشینان نادان، قلمداد کرده است. در حدیث «لَوْ وَجَدْتُ شَابًا مِنْ شِبَانِ الشَّيْخَةِ لَا يَتَفَقَّهُ، لَضْرَبْتَهُ ضَرْبَةً بِالسَّيْفِ» (همان)، تأکید می‌کند اگر جوان شیعه‌ای را ببابم که در صدد شناخت عمیق از دین بر نمی‌آید، شلاق خواهم زد، و در جمله «مَنْزِلَةُ الْفَقِيهِ فِي هَذَا الْوَقْتِ، كَمَنْزِلَةِ الْأَنْبِيَاءِ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ» (همان)، جایگاه اسلام‌شناسان اندیشمندان را در مکتب اسلام و

امت آخر الزمان، همانند جایگاه پیامبران بنی اسرائیل دانسته است. ایشان در جمله «إِنَّ الفقيه يستغفر له ملائكة السماء وأهل الأرض والوحش والطير وحيثان البحر» (همان)؛ فرشتگان آسمان، ساکنان زمین، درندگان، پرندگان و ماهیان را، استغفار کننده برای شخص دین شناس می شناساند. امام در حدیث «تفقهوا فی دین الله فإنه أروى من لم يتفقه فی دینه ما يخطئ أكثر مما يصيب، فإن الفقه مفتاح البصيرة، وتمام العبادة، والسبب إلى المنازل الرفیعة، وحاز المرء المرتبة الجلیلة فی الدین والدنیا، فضل الفقيه على العباد كفضل الشمس على الكواكب، و من لم يتفقه فی دینه لم يترك الله له عملاً» (همان)؛ دستور می دهد، در دین، شناخت عمیق پیدا کنید، زیرا شخص غیر عالم، اشتباهاتش بیشتر از حق شناسی اوست. شناخت، کلید بصیرت، مکمل عبادت و نردبان درجات عالی به شمار می آید. انسان در پرتو دانش به درجات والای دنیوی و معنوی می رسد. برتری فقیه بر عابد، همانند امتیاز خورشید نسبت به ستارگان است. کسی که فقیه در دین نباشد، خداوند اعمالش را تزکیه و تأیید نمی کند.

۲-۲. تکریم شاعران متعهد و آگاهی بخش

بدون شك ذوق شعر و هنر شاعری مانند همه سرمایه های وجودی انسان، می تواند سازنده یا مخرب باشد. ارزیابی اسلام در زمینه شعر، متوجه هدفها، جهت گیری ها و نتیجه هاست و در صورتی ارزشمند است که در مسیر صحیح به کار افتد و از آن بهره گیری مثبت شود، اما اگر این هنر بزرگ در خدمت ظالمان و جباران و توصیف عیش و شراب و رسوایی و ننگ باشد، ضد ارزش است. پیامبر ﷺ فرموده اند: «ان من الشعر لحكمة» (طوسی، ۱۳۵۱، ج: ۷؛ ۲۲۷؛ ابن ماجه، ج: ۲؛ ۱۲۳۵؛ ابن عبد البر، ج: ۲؛ ۳۶۸). بعضی از اشعار، حکمت است و به حسان یکی از شعرای مدافع اسلام فرمود: «اهجهم فان جبرئیل معك» (ابن حنبل، ج: ۴؛ ۲۹۹؛ متقی هندی، ج: ۱۱؛ ۶۷۳). دشمنان را هجو کن که جبرئیل با توست. امام علی (علیه السلام) هنگامی که گروهی از یارانش در شب رمضان، مشغول خواندن شعر شدند، به آن ها فرمود: «اعلموا ان ملاك امرکم الدین» (ابن ابی الحدید،

ج ۲۰: ۱۵۳؛ مجلسی، ج ۳۴: ۳۴۶)، بدانید شعر وسیله‌ای است و معیار ارزیابی آن، تعقیب اهداف دینی است. امام صادق (علیه السلام) گفته‌اند: «من قال فینا بیت شعر بنی اللّٰه له بیتا فی الجنّة» (ابن بابویه، ج ۱: ۱۵؛ حرعاملی، ج ۱۴: ۵۹۷)؛ هر کسی دربارهٔ ما بیت شعری بگوید خدا خانه‌ای در بهشت برای او بنا می‌کند. در حدیث دیگری نیز فرموده‌اند: «ما قال فینا قائل بیت شعر حتّٰی یؤید بروح القدس» (ابن بابویه، ج ۱: ۱۵)؛ هرکس دربارهٔ ما بیت شعری گوید، مؤید به روح القدس است».

در زبان عربی، قصاید، قطعه‌ها و آثار بسیاری در ثنای پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و امامان معصوم (علیهم السلام) و پاکی و تقوا و مبارزه با دزدان و غارتگران و جباران سروده شده است. این مدایح از مقوله شعر متعهدانه است که در این گونه آثار، حقانیت رهبران الهی و راه آنان را می‌نمایانند و می‌کوشند حقایق را به فرهنگ جامعه و شعور اجتماعی منتقل سازند و موضع مردان حق و رهبران سعادت و عدالت را در برابر دیگران و به‌ویژه ستم‌گسترانی مانند مأمون تحکیم بخشند و استوارتر دارند. این آثار از نظر اخلاقی و تربیتی بس سودمند است، زیرا در آن‌ها ذکر فضایل اخلاقی، رفتار پیشوایان، فداکاری‌ها و مجاهدت‌های آنان و محبت آنان به انسان‌ها آمده است. این‌ها همه به‌صورتی عمیق، پرورش دهنده و آموزنده است. امام رضا (علیه السلام) نیز در امتداد همین مسیر، شاعرانی را که بازگوکنندهٔ مناقب اهل بیت (علیهم السلام) و نشر بینش‌ها و ارزش‌های آنان بوده‌اند، مشمول لطف و انعام خویش قرار داده است.

۱-۲-۲. ابواسحاق ابراهیم بن عباس صولی کاتب در زمرهٔ دانشمندان و شاعران بغداد به‌شمار می‌آمد. وی از کاتبان بلیغ و فصیح بود و در شعر نیز دستی توانا داشت. وی اشعاری در مدح امام رضا (علیه السلام) سروده است که در نتیجه، ۱۰ هزار درهم از امام پاداش گرفت که پاره‌ای از آن را هزینه زندگی خانواده خویش نمود و بخشی را برای تجهیز و کفن و دفن خود نگه‌داشت (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۱۵۴؛ شوشتری، ۱۴۲۵ق، ج ۱: ۲۱۹).

۲-۲-۲. امام رضا (علیه السلام) به ابونؤاس شاعر نامدار نیز ۳۰۰ دینار به‌اضافهٔ یک مرکب بخشیدند (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۱۵۵؛ امین، ۱۴۰۳، ج ۲: ۱۵) وی اشعار بلند ستایشی و الهام‌گر ذیل را انشا کرده‌اند:

«... فلما ذا تركت مدح ابن موسى والخصال التي تجمعن فيهِ

قلت لا أستطيع مدح امام كان جبريل خادماً لأبيه

قصرت ألسن الفصاحة عنه ولهذا القريض لا يحتويه»

(ابن بابويه، ۱۴۰۴ ق، ج ۲: ۱۵۴)

۲-۲-۳. امام رضا علیه السلام به روایتی، به دعبل بن علی خزاعی ۶۰۰ دینار بخشیدند و از کمی آن عذر خواستند (امین، ۱۴۰۳ ق، ج ۲: ۱۵). همچنین بعد از آنکه دعبل، قصیده اش را که باییت: «مدارس آیات خلت من تلاوة / و منزل وحی مقفر العرصات»، شروع می شود، به پایان رسانید، امام رضا علیه السلام از جا برخاست و به دعبل فرمود: جایی نرو و خود به اندرون خانه رفت. پس از مدتی صد دینار مسکوک به نام خودشان را توسط خادم برای وی فرستاد و به او پیام داد: این مبلغ را نفقه خودت قرار بده. امام در ادامه جبّه و عبای ارزشمند خود را نیز به عنوان هدیه متبرک، به او داد (ابن بابويه، ۱۴۰۴ ق، ج ۲: ۲۹۵؛ همان، ۱۴۰۵ ق، ج ۲: ۳۷۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۹: ۲۴).

۲-۳-۳. گسترش و پاسداشت اخوت ایمانی

اخوت و برادری اقسامی دارد:

۲-۳-۱. طبیعی شرعی: مثل دو فرد از بشر که از طریق قانونی و شرعی متولد شده اند، به یک پدر و یا یک مادر یا به هر دو منتهی شوند که در آن آثاری چون ارث وجود دارد.

۲-۳-۲. طبیعی غیر شرعی: مانند برادر متولد شده از زنا که برادر حلال زاده خود از نظر ظاهری و طبیعی به حساب می آید، اما از نظر قانونی و شرعی ارتباطی بین آن دو وجود ندارد و وی نه از والدین خود ارث می برد و نه آن دو از وی ارث می برند.

۱. به من گویند: چرا مدح پسر موسی (ع) را رها کردی و درباره آن خصلت‌های نیکویی که در او جمع شده شعر نگفتی؟ گفتم: من هرگز توانایی ندارم ستایش کنم امامی را که جبرئیل امین، خادم دربار پدر آن بزرگوار بوده است. زبان فصیح سخنوران از مدح او عاجز است و به خاطر همین، هرگز شعر هم نمی‌تواند صفات او و خوبی‌های او را فراگیر باشد.

۳-۳-۲. شرعی غیرطبیعی: مانند برادر رضاعی که آثاری مانند حرمت ازدواج بر آن مترتب می‌شود. این سه قسم مورد توجه اسلام بوده و دستورات اخلاقی و اجتماعی مانند «صله رحم» و «احسان» درباره آنان صادر شده است.

۴-۳-۲. افزون بر این اقسام اخوت، آیه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات، ۱۰)، برادری دینی و ایمانی را نیز در بین مؤمنان تشریح می‌کند. این برادری، معلول جهان‌بینی واحد و اعتقاد به خالق مدبر است که آثاری شرعی، اجتماعی و حقوقی نیز بر آن، بار می‌شود. بر اساس این اصل، اسلام تمام مسلمان‌ها را به حکم يك خانواده می‌داند و همه را خواهر و برادر یکدیگر خطاب کرده و نه تنها در شعار که در عمل و تعهدهای متقابل نیز همه خواهر و برادرند. از این رهگذر، مسلمانان از هر نژاد و دارای هر زبان و هر سن و سال و در هر منطقه جغرافیایی با یکدیگر احساس عمیق برادری می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۸: ۳۱۵). علاوه بر آیه فوق و آیاتی مانند: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» (توبه، ۷۱)، در منابع حدیثی نیز روایات بسیاری در زمینه حقوق مؤمنین بر یکدیگر، وارد شده که پیغمبر ﷺ در روایتی ۳۰ حق بر شمرده است (کراچکی، ۱۳۶۹: ۱۴۱؛ حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۲: ۲۱۲).

امام رضا (علیه السلام) نیز به جایگاه اخوت دینی بسیار توجه داشته و آن را مقدم بر دیگر رابطه‌های برادری دانسته‌اند. نقل شده که برادرش «زید» بر مأمون وارد شد در حالی که امام رضا (علیه السلام) نیز حضور داشت. مأمون وی را گرمی داشت، اما امام رضا (علیه السلام) به خاطر لغزش‌های وی، با گشاده‌رویی و پشاشت با او برخورد نکرد و به‌علاوه طبق نقلی، پاسخ سلام وی را نیز نداد. زید گفت: پاسخ سلام مرا نمی‌دهی در حالی که من پسر پدر تو هستم؟ امام فرمود: «أنت أخی ما أطعت الله، فإذا عصيت الله لا إخاء بینی و بینک» (ابن بابویه، ۱۴۰۴، ج ۲: ۲۵۹؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۲: ۴۷۱). تو برادر منی تا زمانی که مطیع خدا هستی، اما در صورت نافرمانی خداوند، رابطه برادری بین ما گسسته می‌شود. طبق گفتار امام رضا (علیه السلام) معیار اخوت دینی اطاعت خدا و همگامی در فکر و عمل است و با انقطاع آن مقیاس، رابطه برادری ایمانی نیز وجود ندارد.

۲-۴. گشاده‌رویی و پاک سخن گفتن

در کتب اخلاقی برای حُسن خلق دو معنا ذکر کرده‌اند: معنای عام و خاص (نراقی، ج ۱: ۳۴۲).

۲-۴-۱. تلبّس به عموم خصلت‌ها و صفات پسندیده، معنای عام آن است. روایت ذیل پیامبر ﷺ به این معنا اشاره دارد: «إِنَّمَا بَعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (نوری ۱۴۰۸ ق، ج ۱۱: ۱۸۷؛ داود بن سلیمان غازی ۱۴۱۸ ق: ۱۳۱؛ طبرسی ۱۳۹۲: ۸؛ بیهقی، ج ۱۰: ۱۹۲؛ ابن اَبی الدنیا: ۶). من برای این مبعوث شده‌ام که فضایل اخلاقی را تکمیل کنم. این روایت با عبارات «إِنَّمَا بَعِثْتُ عَلَىٰ تَمَامِ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ» (هیثمی، ۱۴۰۸ ق، ج ۸: ۲۳)؛ «إِنَّمَا بَعِثْتُ بِمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ» (همان)؛ «إِنَّمَا بَعِثْتُ لِأَتَمِّمَ صَالِحَ الْأَخْلَاقِ» (ابن حجر، ج ۶: ۴۱۹)؛ «إِنَّمَا بَعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ وَكَمَالَ مَحَاسِنِ الْأَفْعَالِ» (هیثمی ۱۴۰۸ ق، ج ۸: ۱۸۸) و «إِنَّمَا بَعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَحَاسِنَ الْأَخْلَاقِ» (ابن عبد البر، ۲۰۰۰، ج ۵: ۱۱۵) نیز روایت شده است. به این ترتیب یکی از اهداف اصلی برانگیخته شدن پیامبر ﷺ تکمیل تمامت هنجارهای اخلاقی است.

۲-۴-۲. معنای خاص حسن خلق، عبارت است از خوش‌رویی، گشاده‌رویی و برخورد پسندیده با دیگران (نراقی، ج ۱: ۳۴۲). امام صادق (علیه السلام) در تبیین این معنا فرموده‌اند: «تَلَيُّنُ جَانِبِكَ وَتُطَيُّبُ كَلَامِكَ وَتَلْقَىٰ أَحَاكِمَ بِيْشْرِ حَسَنِ» (ابن بابویه، ۱۳۶۱: ۲۵۳؛ همان، ۱۳۶۳، ج ۴: ۴۱۲). حسن خلق آن است که برخوردت را نرم کنی و سخنت را پاکیزه سازی و برادرت را با خوش‌رویی دیدار نمایی. در این مقاله، معنای خاص حسن خلق، مراد است. گشاده‌رویی و سخن نرم و نیکو از بارزترین صفاتی است که در معاشرت‌های اجتماعی باعث جلب محبت شده و اثری شگفت‌انگیز دارد. قرآن بر ارزشمند بودن آن تکیه بسیاری کرده و با تعبیر: «أَنْتَ لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ» (قلم، ۴) پیامبر ﷺ را از رهگذر اتصاف به آن ستوده است. قرآن، این مزیت گران‌مایه اخلاقی را طبق آیه «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَفُضِّضُوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران، ۱۵۹)؛ عنایتی بزرگ از سوی

۱. در پرتو رحمت و لطف خدا با آنان مهربان و نرم‌خو شده‌ای و اگر خشن در گفتار و سنگدل بودی از گردت پراکنده می‌شدند.

خداوند شناسانده است. و آیه «وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» (فصلت، ۳۴). تأکید می‌کند که بدی را به بدی پاسخ ندهید، بلکه باطل را به حق، جهل را به حلم و بدی را با خوبی پاسخ دهید. گرچه «حسنة» و «سَيِّئَةٌ» مفهوم وسیعی دارد، ولی در آیه فوق، شاخه‌ای از «حسنة» و «سَيِّئَةٌ» مربوط به روش‌های گفتاری و تبلیغی منظور است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۲۸۰). عبارت «ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» حاوی این نکته است که هرگز بدی را با بدی پاسخ ندهید که این روش انتقام‌جویان است و موجب لجاجت منحرفان می‌گردد. در فراز «فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» به فلسفه عمیق حسن خُلق اشاره کرده که در نتیجه آن، دشمنان سرسخت تبدیل به دوستان گرم و صمیمی می‌شوند و محبت جای کینه‌ها و عداوت‌ها را می‌گیرد.

در روایات اسلامی به مسئله ملاطفت در برخوردها و ترك خشونت در معاشرت، بسیار اهمیت داده شده است. در حدیث امام حسین (علیه السلام) از پدرش امام علی (علیه السلام) درباره پیامبر ﷺ آمده است: «پیامبر ﷺ همیشه با هم‌نشینانش خوش‌رو و خندان و ملایم بود، هرگز خشن و سنگدل و پرخاشگر و بدزبان و عیب‌جو نبود، هیچ‌کس از او مایوس نمی‌شد و هرکس به در خانه او می‌آمد، ناامید باز نمی‌گشت: سه چیز را از خود رها کرده بود: مجادله در سخن، پرگویی و دخالت در کاری که به او مربوط نبود و سه چیز را درباره مردم رها کرده بود: کسی را مذمت و سرزنش نمی‌کرد، از لغزش‌ها و عیوب پنهانی مردم جست‌وجو نمی‌کرد و هرگز سخن نمی‌گفت مگر درباره اموری که ثواب الهی را امید داشت. در موقع سخن گفتن به قدری نافذ‌الکلمه بود که همه سکوت اختیار می‌کردند و هنگامی که ساکت می‌شد، آن‌ها به سخن درمی‌آمدند، و نزد او هرگز نزاع و مجادله نمی‌کردند. هرگاه فرد غریب و ناآگاهی با خشونت سخن می‌گفت و درخواستی می‌کرد، تحمل می‌نمود و به یارانش می‌فرمود: هرگاه کسی را دیدید که حاجتی دارد به او عطا کنید و هرگز کلام کسی را قطع نمی‌کرد تا سخنش پایان گیرد» (ابن بابویه، ۱۳۶۱: ۸۱).

سخنان و رفتار امام رضا (علیه السلام) هم درباره حسن خُلق، تطابق کامل با آموزه‌های قرآن و سنت پیامبر ﷺ داشته است. ایشان فرموده‌اند: «ما من شیء أثقل فی المیزان من

حسن الخلق» (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۴۰). در روز قیامت چیزی در میزان عمل سنگین تر از خلق خوب نیست. در حدیثی دیگر از امام رضا علیه السلام آمده است: «علیکم بحسن الخلق، فإین حسن الخلق فی الجنة لا محالة، وایاکم و سوء الخلق فان سوء الخلق فی النار لا محالة» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸: ۳۸۳). متلبس به حسن خلق شوید، زیرا که فرجام او بهشت است، و از سوء خلق بپرهیزید که سرانجام آن فرد آتش است. امام رضا علیه السلام علاوه بر گفتار، تجسم عملی معاشرت پسندیده بود. ابراهیم بن عباس صولی که از مدینه تا مرو همراه ایشان بوده است، می گوید: «نه کسی را دیده و نه از کسی شنیده ام که برتر از او باشد. از او چیزهایی دیده ام که از هیچ کس ندیدم. نشد که به کسی در سخن گفتن ظلم یا جفا کند، هر که با او سخن می گفت، کلام او را قطع نمی کرد و مجال می داد تا آخر سخنش را بگوید. ندیدم که در پیش کسی پایش را دراز کند یا در پیش کسی تکیه کند یا به کسی از غلامانش فحش بدهد. ندیدم که آب دهان را به زمین اندازد یا با صدا و قهقهه بخندد، بلکه فقط تبسم می کرد چون سفره طعام را باز می کردند همه خدمتکاران و غلامانش را و حتی دربان را با خود در سر سفره می نشانید (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۱۹۷؛ قمی ۱۴۱۷ق: ۲۱۳؛ بروجردی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۵: ۵۵۶). بی تردید اگر پرهیز از خشونت در گفتار و رفتار را عامل پیروزی معنوی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و پیشوایان معصوم برشماریم و آن را «معجزه اخلاقی» در جذب دوستان و دشمنان سرسخت شان بنامیم، اغراق نکرده ایم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۲-۵. مهرورزی به دیگران

اگر رابطه‌ها و پیوندهای اجتماعی بر پایه محبت و مودت، شکل گیرد، کارسازتر و دیرپاتر است. اگر عقل همچون «چراغ راهنما» است که روشنی می بخشد و راه را نشان می دهد، محبت نیز نقش «موتور محرک» را دارد و بی تردید زبان دل، قویتر از زبان عقل است. از اینرو، ریشه‌یابی عوامل تقویت کننده دوستی، نقش بنیادین در بهبود و ارتقای معیشت دارد. واژگان «ودود» (هود، ۹۰)، «رحمن» و «رحیم» از صفات خداوندند و کلمه‌های «مودت» و «رحمت» در آیات زیادی و در رابطه با موضوعات گوناگونی، مطرح شده اند. طبق آیه «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم، ۲۱) بین ما انسان‌ها نیز نهاده شده و در مقام تشریح و

اعتبار از ما درخواست شده که در روابط اجتماعی آن را به کار گیریم و تقویت کنیم.

امام رضا (علیه السلام) دربارهٔ محبت به دیگران، رهنمودهای بسیار راهگشایی فرموده‌اند. ایشان در حدیث: «التوّدّد إلى النّاس نصف العقل» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۶۴۳؛ ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۴۴۳؛ قیومی ۱۳۷۳: ۳۹۰). مهرورزی به مردم را نصف خردمندی دانسته‌اند. در حدیث: «لا یكون المؤمن مؤمناً حتّٰی یكون فیہ ثلاث خصال: سنة من ربّہ، وسنة من نبیہ، وسنة من ولیہ، فأما السنة من ربّہ فکتمان سرّہ، قال الله جلّ جلالہ: «عالم الغیب فلا یظهر علی غیبہ أحدًا* إلا من ارتضى من رسول»، وأما السنة من نبیہ فمداراة النّاس، فإنّ الله عزّ وجلّ أمر نبیہ ﷺ بمداراة النّاس، فقال: «خذ العفو وأمر بالعرف وأعرض عن الجاهلین»، وأما السنة من ولیہ فالصبر فی البأساء والضراء، یقول الله عزّ وجلّ: «والصابرین فی البأساء والضراء وحين البأس أولئك الذین صدقوا وأولئك هم المتقون» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۲۴۱؛ ابن بابویه، ۱۴۱۷ ق: ۴۰۸؛ ۱۳۶۲: ۸۲؛ همان، بی تا: ۳۷) تصریح می‌کند که مؤمن کامل کسی است که خود را به سه ویژگی خداوند سبحان، پیامبر ﷺ و ولی او متلبّس کند و در ادامه با استشهاد به آیه «خذ العفو وأمر بالعرف وأعرض عن الجاهلین» مدارا کردن با مردم را صفت و خوی رسول خدا ﷺ قلمداد کرده است. ایشان در حدیث: «رأس العقل بعد الايمان بالله التوّدّد إلى النّاس واصطناع الخیر إلى کل برّ وفاجر» (ابن بابویه، ۱۴۰۴ ق، ج ۲: ۳۸؛ عطاردی، ۱۴۰۶ ق، ج ۱: ۴) تأکید می‌کند که بنیان خردمندی پس از ایمان به خدا، محبت و رزقی به مردم و نیکی به هر شخص نیکوکار و بدکردار است. و امام (علیه السلام) در روایت: «اصطنع الخیر إلى من هو أهله والی من هو غیر أهله فإنّ لم تصب من هو أهله فأنّت أهله» (ابن بابویه، ۱۴۰۴ ق، ج ۲: ۳۸)، پای فشرده است که نیکی کن به کسی که شایسته آن است و کسی که سزاوار آن نیست، زیرا اگر وی سزاوار نیست، تو شایسته نیکی کردن هستی. امام رضا (علیه السلام) در دو مورد از احادیث مذکور، از واژه «توّدّد» استفاده می‌کند. در تفاوت محبت و مودّت تأکید می‌شود که مودّت به معنای دوست داشتنی است که اثرش در مقام عمل ظاهر شود. نسبت مودّت به محبت مانند نسبت خضوع به خشوع است. خضوع به خشوعی گفته می‌شود که در مقام عمل ظهور و بروز یابد برخلاف خشوع که نوعی تأثر نفسانی است که بر اثر مشاهده عظمت و کبریایی

مخاطب در دل پدید می‌آید. دوست داشتن تا در قلب است و ظهوری نیافته محبت نام دارد اما اگر نمایان شد و در مقام عمل خود را نشان داد، مودت نام دارد (قرشی، ۱۳۶۷، ج ۷: ۱۹۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶: ۱۶۶).

علاوه بر گفتار، در زندگی عینی و عملی امام رضا (علیه السلام) نیز نمونه‌های بسیاری درباره محبت‌ورزی به مردم مشاهده می‌شود. راوی می‌گوید: «نزل بأبی الحسن الرضا (علیه السلام) ضیف وکان جالساً عنده یحدثه فی بعض اللیل فتغیر السراج فمد الرجل یده لیصلحه، فزیره أبو الحسن (علیه السلام) ثم بادره بنفسه فأصلحه ثم قال له: إنا قوم لا نستخدم أضيافنا» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶: ۲۸۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۹: ۱۰۲). مهمانی بر امام رضا (علیه السلام) وارد شد و تا پاره‌ای از شب سخن گفتند و در این هنگام، چراغ مشکل پیدا کرد و مهمان درصدد تعمیر آن بر آمد. امام وی را از انجام آن بازداشت و خود اقدام کرد و فرمود که ما مهمان خود را به خدمت نمی‌گیریم. همین‌گونه خادمان آن حضرت گزارش کرده‌اند: «قال لنا أبو الحسن (علیه السلام)، إن قمت علی رؤوسکم وأنتم تأکلون فلا تقوموا حتی تفرغوا، ولربما دعا بعضنا فیقال: هم یا کلون، فیقول: دعوهم حتی یفرغوا» (برقی، ۱۳۳۰، ج ۲: ۴۲۳). امام به ما گفته بودند اگر من بالای سر شما آمدم و شما مشغول خوردن بودید، برنخیزید تا از خوردن فارغ شوید. گاهی برخی از ما را صدا می‌زد و به ایشان گفته می‌شد که مشغول خوردن است، می‌فرمود: رهایش کنید تا غذایش به اتمام برسد. در روایتی نقل شده است: «کان أبو الحسن (علیه السلام) إذا أکل أحدنا لایستخدمه، حتی یفرغ من طعامه» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶: ۲۹۸). امام رضا (علیه السلام) در وقتی که یکی از خادمانش مشغول خوردن بود، تا زمان اتمام غذا، وی را به کاری نمی‌گمارد.

۲-۶. سخاوت و انفاق به نیازمندان

انفاق و صدقه به مفهوم وسیع خود، شامل بخشش‌های مالی و غیرمالی می‌شود. در قرآن مجید بیش از ۱۹۰ آیه به انفاق مالی اختصاص یافته است. انفاق به دو دسته واجب مانند زکات، خمس و کفاره گناهان و مستحب مانند صدقات، بخشش‌ها و وقف‌ها،

تقسیم می‌شود. تعدیل ثروت، بهبود خلأهای موجود در جامعه، کم شدن فاصله طبقاتی و ایجاد برادری بین مسلمین از علل تقنین صدقات و انفاقات است. طبق نص آیات (بقره، ۲۶۲-۲۶۵) انفاق باید از مال پاک و بدون منت و آزار فقیران باشد، زیرا کسی که انفاق می‌کند عوضش را از خدا دریافت می‌کند و فزون‌تر از آنچه داده است، پس می‌گیرد. از سویی در اسلام طبق حدیث پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) «انما الاعمال بالنیات» (بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۱: ۲؛ ابن ماجه قزوینی، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۱۴۱۳؛ ابن اشعث سجستانی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۴۹۰) ارزش صدقه به خلوص نیت است و گرنه اعمالی که انگیزه‌های غیرالاهی داشته باشد، خواه ریاکارانه باشد یا به خاطر هوای نفس یا قدردانی مردم یا پاداش مادی، فاقد ارزش معنوی است.

بخشش و سخاوت که ضد صفت بخل و ثمره زهد و بی‌توجهی به دنیا است، از مشهورترین صفات پیامبران و معروف‌ترین اخلاق اولیا و اهل بیت (علیهم السلام) است. طبق گفته مفسران، آیات «وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا* إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِرُؤْفَةِ اللَّهِ لَأَن تَرِيدُوا مِنكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا» (انسان، ۸-۹)، در ستایش انفاق و ایثار خالصانه ابرار و اهل بیت (علیهم السلام) نازل شده است که هیچ چشم‌داشتی به پاداش مردم و حتی تشکر آنان نداشته‌اند (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۳۹۹؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰: ۷۴۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۶۷۰). امام رضا (علیه السلام) همانند سایر اهل بیت (علیهم السلام)، در مسئله انفاق در حوزه گفتار و عمل، نمونه‌ای عالی به‌شمار می‌آیند. ایشان در عرصه دعوت به انفاق و ارجمندی آن فرموده‌اند: «السخی يأكل من طعام الناس لئلا ياكلوا من طعامه والبخیل لا يأكل من طعام الناس لئلا ياكلوا من طعامه» (برقی، ۱۳۳۰، ج ۲: ۴۴۹؛ ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۱۵)¹.

در زندگی امام رضا (علیه السلام) نمونه‌های عینی شگرف و بی‌نظیری از انفاق، ایثار و سخاوت دیده می‌شود:

۱-۶-۲. معمر بن خلاد می‌گوید: «كان أبو الحسن الرضا (علیه السلام) إذا أكل أتى بصحفة، فتوضع

۱. شخص سخاوتمند از خوراک مردم می‌خورد تا از خوراکش بخورند، اما بخیل برای اینکه از طعامش نخورند از طعام دیگران نمی‌خورد.

قرب مائدتہ، فیعمد إلی أطيّب الطعام مما یؤتی به، فیأخذ من کل شیء شیئاً، فیوضع فی تلك الصحفة، ثمّ یأمر بها للمساکین، ثمّ یتلو هذه الآية: « فلا اقتحم العقبة و ما أدريک ما العقبة، فک رقبة، أو اطعام فی يوم ذی مسغبة، یتیمأ ذاً مقربة، أو مسکیناً ذاً متربة» ثمّ یقول: علم الله عزّ وجلّ أن لیس کل إنسان یقدر علی عتق رقبة، فجعل لهم سبیلاً إلی الجنة باطعام الطعام» (برقی، ۱۳۳۰، ج ۲: ۳۸۹ و ۳۹۲؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۴: ۵۲). امام رضا (علیه السلام) در وقت غذا خوردن دستور می داد، بشقاب بزرگی می آوردند و کنار سفره می نهاد و از بهترین غذاها در آن می گذاشت و دستور می داد که به فقرا داده شود و آیات: « فلا اقتحم العقبة...»، تلاوت می کرد و سپس می فرمود: خداوند سبحان چون می داند که هر کس قادر به آزاد کردن بنده نیست، لذا خوراندن غذا را برای آنان طریقی برای ورود به بهشت قرار داده است.

۲-۶-۲. ریّان بن صلت در خراسان با واسطه معمر بن خلاد از امام رضا (علیه السلام) تقاضای لباس و سکه نمود. معمر وارد شد و پیش از سخن گفتن، امام فرمود: ای معمر! آیا ریّان متمایل نیست که به وی پول و پوشاک دهیم؟ معمر گفت: سبحان الله! درخواست وی همین بود. امام خندید و فرمود: مؤمن موقّق است. ریّان نزد امام آمد و دو لباس و مقدار ۳۰ درهم دریافت کرد (حمیری قمی، ۱۴۱۳ق: ۳۴۲؛ بحرانی ۱۴۱۵ق، ج ۷: ۶۰).

۳-۶-۲. امام رضا (علیه السلام) در خراسان همه اموالش را در روز عرفه انفاق کرد. فضل بن سهل آن را خسارت قلمداد کرد. امام فرمود: عملی که به دنبال آن پاداش ارجمند باشد، نه تنها خسارت نیست، بلکه غنیمت است (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۷: ۱۸۷؛ امین ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۱۵؛ بروجردی، ۱۴۱۹ق، ج ۸: ۳۳۲).

۴-۶-۲. فردی به امام مراجعه کرد و گفت به مقدار جوانمردیت به من کمک کن. امام فرمود: مقدور نیست. وی گفت: به اندازه مرّوت خودم به من اعطا کن. امام فرمود: این امکان پذیر است و دستور داد که ۲۰۰ دینار به وی بدهند (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۳: ۴۷۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹: ۱۰۰).

۷-۲. کتمان صدقه و پرهیز از تحقیر دیگران

آیات بسیاری از قرآن مانند «وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرُؤْنَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ» (رعد، ۲۲) و «إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرُجُونَ تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ» (فاطر، ۲۹)، به دو نوع پنهان و آشکار انفاق اشاره دارند. به علاوه در بسیاری از موارد همانند این دو آیه، شکل پنهان بر آشکار مقدم داشته شده و انفاق پس از نماز مطرح شده است که یکی پیوند انسان را با «خدا» و دیگری پیوند او را با «خلق» محکم می‌کند. تعبیر به «سِرًّا وَعَلَانِيَةً» اشاره به این واقعیت است که مؤمنان در انفاق‌های خود به کیفیت آن نیز نظر دارند، چراکه گاهی اگر انفاق پنهانی صورت گیرد، بسیار مؤثرتر است. این در مواردی است که حفظ حیثیت شخص چنین اجاب کند و به علاوه مصون از ریا و سمعه است. گاه اگر آشکار انجام گیرد، اثرش وسیع‌تر خواهد بود. این در مواردی است که باعث تشویق دیگران به این کار خیر و اقتدا به او شود. ممکن است انفاق علنی مربوط به واجبات باشد که معمولاً چون وظیفه است، جنبه تظاهر در آن نیست، ولی انفاق‌های مستحبی چون چیزی افزون بر وظیفه واجب است، ممکن است توأم با تظاهر شود، مخفی بودنش بهتر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۳۵۳).

امام رضا (علیه السلام) اسوه کامل در انفاق و کیفیت آن و صیانت از کرامت انسان‌ها بوده‌اند. یسع بن حمزه می‌گوید: در مجلس امام رضا (علیه السلام) که گروه بسیاری در آن حضور داشتند و از حلال و حرام می‌پرسیدند، حضور داشتم که ناگهان مردی بلندقد و گندم‌گون خراسانی داخل شد و پس از سلام گفت: «از دوستان شما و پدرانتان هستم و در حال بازگشت از سفر حج که توشه خویش را گم کرده‌ام. مبلغی قرض دهید که پس از بازگشت به وطنم، همان مقدار را از طرف شما صدقه خواهم داد.» امام (علیه السلام) امر به نشستن وی کرد و پس از پاسخ به پرسش‌های مردم و متفرق شدن اکثریت و باقی ماندن من [یسع بن حمزه] او سلیمان جعفری و خیثمه، امام مجلس را ترک کرد و به اتاق رفت و پس از ساعتی دست خود را از بالای در، بیرون آورد و گفت: خراسانی سائل کجاست؟ وی پاسخ داد: اینجا هستم. امام فرمود: این ۲۰۰ دینار را بگیر و نیازی به پرداخت صدقه از جانب من نیست. به علاوه

اینجا را ترک کن که چشمان مان به یگدیگر نیفتد. وی رفت. سلیمان جعفری از امام (علیه السلام) پرسید: چرا در وقت احسان، چهره خود را پوشانید؟ امام فرمود: برای اینکه ذلت درخواست را در چهره اش نبینم. آیا سخن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را نشنیده ای که استتار کار نیک معادل ۷۰ حج است و فاش کننده بدی، خوار می شود و پنهان کننده آن مورد بخشش قرار می گیرد. آیا سخن گذشتگان را نشنیده ای: «متی آتیه یوماً لأطلب حاجة* رجعت إلی أهلی ووجهی بمائه». هر روزی که من از دیگران تقاضای کمک کنم هنگام بازگشت به خانواده ام، عرق شرم بر چهره ام باقی است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۴: ۲۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۹: ۱۰۱).

ابراهیم بن عباس صولی می گوید: «أنه (علیه السلام) كان كثير المعروف والصدقة في السرّ و اكثر ذلك منه لا يكون الا في الليالي المظلمه» (ابن بابويه، ۱۴۰۴، ج ۲: ۱۹۷؛ عطاردی، ۱۴۰۶، ج ۱: ۴۵). امام رضا (علیه السلام) در پنهان بسیار احسان می کرد و صدقه می داد، این کار را بیشتر در شب های تاریک انجام می داد.

۲-۸. چشم پوشی و گذشت

بی تردید از رهگذر حبّ ذات، رفتارهای نکوهیده در زندگی اجتماعی ما بروز می یابد، ولی برای تکامل معنوی و استمرار زندگی عقل مدار و شرع پسند، نیاز داریم که همسر، والدین، فرزند، همکار، دوست، همسایه یا حتی يك بیگانه را ببخشیم که البته کار راحت و آسانی نیست. طبق آیه «كان الله عفواً غفورا» (نساء، ۹۹)، بخششگری از اسمای حسنای الهی است و گذشت انسان از حقوق خود، از فضایل اخلاقی است و آموزه های وحیانی بر عفو بسیار ترغیب کرده اند. با نگاهی به آیات قرآن معلوم می شود که عفو و گذشت، بیش از مقابله به مثل، مورد پسند خداوند است (نحل، ۱۲۶) و حتی پیامبر (صلی الله علیه و آله) مأمور به عفو در قبال بدی های مشرکان است (مؤمنون، ۹۶). از نظر قرآن، گذشت انسان از حق خویش، امری راجح و مستحب است (بقره، ۲۳۷؛ نحل، ۱۲۶) و این ارزشمندی و استحباب به ویژه در شرایطی چون قدرت بر انتقام و عقوبت (بقره، ۱۷۸)، ناتوانی طرف مقابل خصوصاً در

امور مالی (بقره، ۲۸۰)، تخلفات جنگی (آل عمران، ۱۵۲)، اختلافات خانوادگی (نساء، ۱۲۸) و مانند آن‌ها ارزش بیشتری می‌یابد. گذشت از انتقام و مجازات به سبب ناتوانی و از سر ناچاری گرچه ارزش کمتری دارد، اما به هر صورت امری خجسته به شمار می‌آید.

از آثار بزرگ گذشت، ایجاد همبستگی اجتماعی است و از این رو، در آیات متعددی مردم تشویق به عفو برای تأمین آن هدف شده‌اند. در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى... فَمَنْ عَفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْئٍ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ» (بقره، ۱۷۸)، با اینکه تأکید می‌کند، حق قصاص محفوظ است، اما برای برانگیختن حس محبت و رأفت و استحکام پیوندهای اجتماعی از ولی مقتول، تعبیر به «برادر» و اشاره به محبوبیت گذشت می‌کند. اسلام به دور از هر گونه تندروی و کندروی نه همچون آیین تحریف شده یهود، فقط تکیه بر قصاص می‌کند و نه مانند مسیحیت کنونی فقط راه عفو یا دیه را به پیروان خود توصیه می‌نماید، چراکه دومی مایه جرئت و بی‌باکی است و اولی عامل خشونت و انتقام‌جویی. لذا اسلام حکم اصلی را قصاص قرار داده و برای تعدیل و در ردیف آن حکم عفو را با گرفتن خون بها یا بدون گرفتن آن نیز ذکر کرده است. آیه «وَجَزَاءٌ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ» (شوری، ۴۰)، حاوی این است که مجازات هر چه باشد يك نوع آزار است و اگر طرف پشیمان شده باشد، شایسته عفو است. عبارت «فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ» متضمن این امر است که گرچه در صورت عفو، حقی از فردی ضایع شده و در مقابل ظاهراً چیزی نگرفته، اما به خاطر گذشتی که از خود نشان داده، گذشتی که مایه انسجام جامعه، کم شدن کینه‌ها، افزایش محبت، توقف انتقام‌جویی و ایجاد آرامش اجتماعی شده است، خداوند خود را مدیون چنین کسی می‌داند و برعهده گرفته که پاداش او را از فضل بی‌پایانش اعطا کند: «اذا كان يوم القيامة نادى مناد من كان اجره على الله فليدخل الجنة، فيقال من ذا الذى اجره على الله؟ فيقال: العافون عن الناس، فيدخلون الجنة بغير حساب» (منذری، ۱۴۰۸ق، ج ۳: ۳۰۹؛ متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ۳۷۴؛ طبرسی ۱۳۷۲، ج ۹: ۵۱). هنگامی که روز قیامت می‌شود کسی از سوی خداوند ندا می‌دهد هر کس اجر او بر خداست وارد بهشت شود، گفته می‌شود: چه کسی اجرش بر خداست؟

در جواب به آن‌ها می‌گویند: کسانی که مردم را عفو کردند، آن‌ها بدون حساب داخل بهشت می‌شوند.

از رهگذر اینکه، گذشت باعث استحکام پیوندهای اجتماعی و رویش محبت می‌شود، لذا معصومان (علیهم‌السلام) همیشه از این روش بهره می‌گرفتند. هنگام فتح مکه نه تنها دشمنان بلکه صحابیان انتظار انتقام جویی شدید مسلمین و به‌راه انداختن حمام خون در سرزمین کفر و شرک و نفاق و کانون دشمنان سنگدل را داشتند، حتی بعضی از پرچمداران سپاه اسلام شعار «الیوم یوم الملحمة، الیوم تسبی الحرمة، الیوم اذل اللّٰه قریشا»^۱؛ سر دادند، پیامبر ﷺ با جمله «اذهبوا فانتم الطلقاء»؛ همه را مشمول عفو خود قرار داد و روبه سوی ابوسفیان کرد و شعار انتقام‌جویانه را به شعار محبت‌آمیز ذیل تبدیل فرمود: «الیوم یوم المرحمة الیوم اعز اللّٰه قریشا»^۲. (مفید، ۱۴۱۴ ق، ج ۱: ۶۰؛ بخاری ۱۴۰۱ ق، ج ۵: ۹۱؛ سرخسی، ۱۴۰۶ ق، ج ۱۰: ۳۹؛ طبرانی، ۱۴۰۵ ق، ج ۸: ۸؛ ابن ابی الحدید ۱۴۰۴ ق، ج ۱۷: ۲۷۲؛ ابن اثیر، ۲: ۲۸۴؛ طبری، ۱۴۰۳ ق، ج ۲: ۳۳۴) همین عمل چنان توفانی در سرزمین دل‌های مکیان مشرک برپا کرد که به گفته قرآن «يَذْخُلُونَ فِي دِينِ اللّٰهِ اَفْوَاجًا» (نصر، ۲)؛ فوج فوج مسلمان شدند و آیین اسلام را با جان و دل پذیرا گشتند.

امام رضا (علیه‌السلام) نیز در موارد متعددی بر موضوع گذشت از گنهکار را به‌خصوص در جایی که منجر به تجرّی و گستاخی نشود، تأکید کرده است. نقل شده که مأمون در روزهای دوشنبه و پنج‌شنبه در دیوان مظالم در حالی که امام رضا (علیه‌السلام) در سمت راستش قرار می‌گرفت، می‌نشست. به وی گفتند که پشمینه‌پوشی دزدی کرده است. وی را احضار کردند در حالی که آثار صلاح بر چهره وی نمایان بود. مأمون گفت: با این نشانه‌های عبادت چگونه دست به دزدی زده‌ای؟ وی گفت: چون از خمس و انفال محروم کرده‌ای به‌اجبار دست به دزدی زده‌ام. مأمون گفت: چه حقی در اموال عمومی داری؟ وی گفت: خداوند طبق آیه «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلّٰهِ خُمُسَهُ...» (انفال، ۴۱)، خمس را به شش بخش تقسیم کرده و طبق آیه «مَا أَفَاءَ اللّٰهُ عَلَى رَسُوْلِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى» (حشر، ۷)، غنایم

۱. امروز روز انتقام، روز از بین رفتن احترام نفوس و اموال دشمنان، و روز ذلت و خواری قریش است.
۲. امروز روز رحمت است، امروز روز عزت قریش است.

را هم به شش قسمت، تقسیم کرده است و من جزو «ابن سبیل» و «مساکین» در این دو آیه به‌شمار می‌آیم. مأمون گفت: آیا حدود الهی را به‌خاطر این افسانه‌هایی که می‌بافی ترک کنم؟ صوفی گفت: اول با اجرای حدّ خودت را تطهیر کن و سپس دیگران. کسی که حد بر گردنش هست، نمی‌تواند حد بر دیگران جاری و آن‌ها را تطهیر کند. آیا سخن خداوند را نشنیده‌ای که می‌گوید: «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ» (بقره، ۴۴). مأمون به امام رضا (علیه السلام) نگریست و گفت: نظر شما چیست؟ امام (علیه السلام) فرمود: وی مورد دستبرد قرار گرفته و او هم دزدی کرده است. مأمون به شدت عصبانی شد و به صوفی گفت: سوگند به خدا دستت را قطع خواهم کرد. وی در پاسخ گفت: تو بنده منی و قصد داری که دست مرا قطع کنی؟ مأمون گفت: از کی بنده تو شده‌ام؟ وی گفت: مادرت از بیت المال خریداری شده و لذا تو برده همه مسلمانان هستی تا همه تو را آزاد کنند. در خمس تصرف کرده‌ای و حق آل رسول (صلی الله علیه و آله) و امثال من را نداده‌ای. مأمون بار دیگر روی به امام رضا (علیه السلام) کرد و گفت: نظر شما چیست؟ امام (علیه السلام) فرمود: خداوند متعال به پیامبرش می‌گوید: «قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ» (انعام، ۱۴۹). مأمون در برابر استدلال پشیمینه‌پوش تسلیم شد و دستور به آزادی وی داد و سپس درصدد کشتن و مسمومیت امام (علیه السلام) برآمد (ابن بابویه، ۱۴۰۴ ق، ج ۱: ۲۶۳؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۳: ۴۷۷). از مجموع آیات و روایات به‌خوبی استفاده می‌شود، گرچه «گذشت»، اولویت اولی و اصیل اسلامی است، اما قانون دایمی نیست و کسانی شایسته عفوند که از گذشته خود نادم شوند و در مقام اصلاح خویش برآیند، نه ظالمانی که عفو آن‌ها را جسورتر و جری‌تر می‌کند. دستور عفو به معنی دفاع از ظالمان نیست، چراکه خداوند ظالمان را هرگز دوست نمی‌دارد، بلکه هدف، هدایت گمراهان و استحکام پیوندهای اجتماعی است.

۳. نتیجه‌گیری

امام رضا (علیه السلام) گنجینه اسرار الهی، مظهر و جلوه ذات خدا، باب الله و دارای کمالات و خصال معنوی است و طبق نقل‌های معتبر و ما انزله الله، گفتار و سیره عملی ایشان،

حجت و در کنار قرآن، منبع معرفت دین به‌شمار می‌آید. در میان اهل بیت، تلاش علمی و فرهنگی امام رضا (علیه السلام) نمود چشمگیری دارد و آثار به‌جا مانده ایشان درباره بهبود روابط اجتماع و ارتقای مناسبات جامعه می‌تواند بیانگر دیدگاه، شخصیت و تفکر عمیق ایشان باشد. به‌علاوه چون امام در عینیت جامعه زیست می‌کند، روایاتش به‌نوعی مبین شرایط سیاسی و اجتماعی و خلأهای آن دوران نیز است. در تمام فصول هشت‌گانه مقاله، ابتدا به ملاک‌ها و معیارهای درون دینی معتبر متقدم پرداخته شده و سپس گفتار و رفتار امام رضا (علیه السلام) را درباره هنجارهای سلوک اجتماعی، دستخوش واکاوی قرار گرفته است. در منظومه معرفتی امام رضا (علیه السلام)، تلاش در جهت تقویت روابط اجتماعی سالم و تأسیس جامعه انسانی اسلامی و نفی ارزش‌های طاغوتی و شرک‌آلود، یک ارزش و جزو تکالیف و مسؤولیت‌های انسان مؤمن به‌شمار می‌آید. از این رهگذر موضوعات هشت‌گانه: فراگیری و فرادهی؛ تکریم هنرمندان و شاعران؛ پاسداشت اخوت ایمانی؛ اجتناب از خشونت گفتاری؛ محبت به دیگران؛ انفاق و کمک به نیازمندان؛ کتمان صدقه و تحقیرگریزی و گذشت معقول از گنهکار که اموری با صبغه اجتماعی اند، به‌عنوان امور عبادی که باعث تقرّب به خدا و اجر و ثواب می‌شوند، قلمداد شده‌اند. نتیجه مستقیم برخی از این امور هشت‌گانه، تربیتی و پاره‌ای فرهنگی و تعدادی اقتصادی است. امام رضا (علیه السلام) تنها در صدد ضمانت و الزام بیرونی برای تحقق این هنجارهای اجتماعی نیستند، بلکه مراقبت نفسانی، التزام درونی، محبت، یکدلی واقعی و تکامل اجتماعی را وجهه همت خویش قرار داده است.

رتال جامع علوم انسانی

- حرعاملی، محمد حسن. (۱۴۱۴ق). وسائل الشیعة. چاپ دوم. قم: مؤسسه آل البيت (علیہ السلام) لإحياء التراث.
- حمیری قمی. (۱۴۱۳ق). قرب الاسناد. قم: مؤسسه آل البيت (علیہ السلام) لإحياء التراث.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه. (۱۴۱۵ق). تفسیر نور الثقلین. چاپ چهارم. قم: انتشارات اسماعیلیان.
- داود بن سلیمان غازی. (۱۴۱۸ق). مسند الرضا (علیہ السلام). قم: مرکز النشر التابع لمكتب الإعلام الإسلامی.
- رضی، محمد بن الحسین. (۱۴۲۹ق). نهج البلاغه. تحقیق: صبحی صالح. تهران: دارالأسوه للطباعة والنشر.
- زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. تحقیق: مصطفی حسین احمد. بیروت: دارالکتب العربی.
- سرخسی. (۱۴۰۶ق) المبسوط. بیروت: دار المعرفة للطباعة والنشر والتوزیع.
- سروری مجد، علی. (۱۳۹۲). «فرهنگ رضوی و جامعه آرمانی». فرهنگ رضوی. سال اول. ش ۲. صص: ۷۷-۱۰۳.
- شوشتری، محمد تقی. (۱۴۲۵). قاموس الرجال. قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
- شریف القرشی، باقر. (۱۳۷۲). حیاہ الإمام الرضا (علیہ السلام). قم: انتشارات سعید بن جبیر.
- صادقی تهرانی، محمد. (۱۴۰۶ق). الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه. چاپ دوم. قم: فرهنگ اسلامی.
- طباطبائی، محمد حسین. (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. چاپ دوم. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبرانی، سلیمان بن احمد. (۱۴۰۵ق). المعجم الكبير. تحقیق: حمدی عبدالمجید السلفی. چاپ دوم. بیروت: دارإحياء التراث العربی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن چاپ سوم. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طبرسی، حسن بن فضل. (۱۳۹۲ق). مکارم الأخلاق. چاپ ششم. قم: منشورات الشریف الرضی.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار المعرفة.
- _____ (۱۴۰۳ق). تاریخ الطبری. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- الطوسی، محمد بن الحسن. (۱۳۵۱). المبسوط. تحقیق: محمد الباقر البهبودی. قم: المكتبة المرتضوية لإحياء آثار الجعفرية.
- عطاردی، عزیز الله. (۱۴۰۶ق). مسند الإمام الرضا (علیہ السلام). مشهد: مؤسسه طبع و نشر آستان قدس الرضوی.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). التفسیر الكبير (مفاتیح الغیب). چاپ سوم. بیروت: دارإحياء التراث العربی.
- الفیض الكاشانی، محمد. (۱۴۰۶ق). الوافی. تحقیق: ضیاء الدین الحسینی الأصفهانی، أصفهان. مكتبة الامام أمير المؤمنين علی (علیہ السلام) العامة.
- القاضی النعمان المغربي، نعمان بن محمد. (۱۳۸۳ق). دعائم الإسلام. تحقیق: آصف بن علی أصغر فیضی. القاهرة: دار المعارف.
- قرشی، علی اکبر. (۱۳۶۷). قاموس قرآن. تهران: انتشارات اسلامیة.
- قمی، عباس. (۱۴۱۷ق). الأنوار البهية. قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۳). تفسیر القمی. تحقیق: طیب موسوی جزایری. قم: دار الكتاب.
- قیومی، جواد. (۱۳۷۳). صحیفه الرضا (علیہ السلام). قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
- کراجکی، محمد بن علی. (۱۳۶۹). کنز الفوائد. چاپ دوم. قم: مكتبة المصطفوی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵). الکافی. تصحیح علی اکبر غفاری. چاپ چهارم. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- متقی هندی، علی. (۱۴۰۹ق). کنز العمال. بیروت: مؤسسه الرسالة.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. چاپ دوم. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مجلسی، محمد تقی. (۱۳۹۹ق). روضة المتقين. تحقیق: الشیخ علی پناه الإشتهازی. تهران: بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانپور.

- مرتضی‌العاملی، السید جعفر. (۱۳۹۸ق). حیاة الإمام الرضا (علیه السلام). بی‌جا: دار التبلیغ الإسلامی.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد. چاپ دوم. بیروت: دار المفید.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- منذری، عبد العظیم. (۱۴۰۸ق). الترغیب والترهیب من الحدیث الشریف. تحقیق: مصطفی محمد عمار. بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر.
- نامداری‌جویی، احسان؛ روشن، علینقی؛ یعقوبی، نورمحمد. (۱۳۹۸). «مهارت‌های ارتباطی در سیره رضوی». فرهنگ رضوی. سال هفتم. ش ۲۵. صص: ۱۲۱-۱۴۸.
- نراقی، محمد مهدی. (بی‌تا). جامع السعادات. چاپ چهارم. بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- نمازی شاهرودی، علی. (۱۴۱۹ق). مستدرک سفینة البحار. قم: مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین.
- نوری، میرزا حسین. (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل. چاپ دوم. قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
- هیثمی، علی بن ابی بکر. (۱۴۰۸ق). مجمع الزوائد. بیروت: دار الکتب العلمیة.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی